

## ارزیابی انتقادی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی در پرتو جرم‌شناسی فرهنگی

سالار صادقی<sup>۱</sup> - عباسعلی اکبری<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۶/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴)

### چکیده

قوانین کیفری ایران بر این مساله تاکید دارند که برای برقراری امنیت اخلاقی در جامعه باید با هرگونه روابط جنسی نامشروع و منافی عفت به شدت مبارزه کرد و برای چنین جرایمی ضمانت اجرای کیفری مقرر کرده است. اما نتیجه‌ای که از این سیاست کیفری سخت‌گیرانه حاصل شده است، افزایش روزافزون این جرایم در جامعه به خصوص بین جوانان می‌باشد و به نظر می‌رسد چنین جرایمی به فرهنگ یا خرده فرهنگ در بین جوانان تبدیل شده است. لذا این قوانین به جدال با فرهنگ و خرده فرهنگ نسل جدید برخاسته‌اند که نتیجه آن متروک شدن این قوانین است. بر این اساس، مقاله حاضر درصدد ارزیابی انتقادی سیاست کیفری ایران در قبال انحرافات و جرایم جنسی و ارائه راهکارهای قانونی برای حل بحران جنسی در ایران با تاکید بر آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی و فقه اسلامی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** سرکوب، جرایم جنسی، حقوق کیفری، آنومی جنسی، جرم‌شناسی فرهنگی.

---

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز و مدرس دانشگاه  
۲. عضو هیات علمی و مدیر گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز

## مقدمه

افزایش روزافزون جرایم و انحرافات جنسی در جامعه امروز ایران مساله‌ای است که ذهن اندیشمندان و خانواده‌ها را به خود مشغول کرده است. امروزه شاهد شکل‌گیری انواع خاص انحرافات جنسی و جرایم منافی عفت در ایران هستیم که می‌تواند ریشه روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد. علاوه بر جرایم سنتی جنسی مانند زنا، محصنه، همجنسگرایی و قوادی و روابط نامشروع، برخی انحرافات جنسی دیگری ایجاد شده است که دور از شان جامعه اسلامی می‌باشد مانند روابط جنسی «ضربدری»<sup>۱</sup>. ازدواج سفید یا همباشی<sup>۲</sup> و مجرد قطعی و خیانت نیز رو به فزونی است که پیامدهای آن ارتکاب جرایم جنسی است. لذا جامعه ایران اکنون با یک بحران جنسی روبروست. اما سیاست کیفری ایران در برابر چنین انحرافات، سیاست سرکوب و کیفر است. قوانین کیفری ایران همه مجرمان و منحرفان جنسی را با یک چوب می‌راند و خواستار کیفرهای شدید بر آنها است. در نظر قانونگذار، اولین راه حل، مداخله حقوق کیفری است. لکن نتیجه حاصل از این سرکوب، معکوس بوده است و چنین انحرافات و جرایمی نه تنها کاهش نیافته است، بلکه در حال افزایش می‌باشد. خانواده‌ها و مسئولان نیز در برابر این انحرافات سکوت می‌کنند و پژوهشگران با طمانینه خاطر و به راحتی نمی‌توانند این مسائل را بررسی کرده و راهکار ارائه دهند. لذا انجام پژوهش علمی و بی‌طرف برای حل چنین مسائلی برای اصلاح سیاست کیفری ایران ضروری به نظر می‌رسد.

جامعه علمی کشور این بحران را تایید کرده و بر وجهه فرهنگی چنین مسائلی تاکید می‌کند. در میزگرد «بررسی و ارائه راهکار برای بحران جنسی موجود در جامعه» در اردیبهشت ۱۳۹۷ یکی از اساتید دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد بیان می‌کند که «در حوزه مسائل جنسی با توجه به تابو بودن آنها، کارهای پژوهشی اساسی انجام نمیشود و در این زمینه با خلاء شناختی مواجه هستیم. بسیاری از مسائلی که از آنها تحت عنوان اختلال نام می‌بریم، الگوهای رفتاری آینده جامعه هستند، برخی از این موارد، روندهای طبیعی تغییرهای اجتماعی است که جامعه ما با آن مواجه است و جلو می‌رود، اما در حال حاضر غیرطبیعی

۱. رابطه‌ای که مرد یا زن خواستار رابطه جنسی همسر خود با شریک دیگر است. (Swinging, swapping)

2. cohabitation

تلفی می‌شوند.» نهایتاً در این نشست درباره بحران جدی انسانیت در آینده خبر داده شد.<sup>۱</sup>

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۶ طی گزارش‌هایی اعلام کرد روابط جنسی نامشروع در حد نگران‌کننده‌ای افزایش یافته و یکی از راه‌حل‌های اساسی ازدواج موقت است.<sup>۲</sup>، ۱۰۵ هزار و ۴۶ نفر دانش‌آموز یعنی ۷۴ درصد دارای رابطه غیر مجاز با جنس مخالف بوده‌اند. تعداد ۲۴ هزار و ۸۸۹ نفر که ۵.۱۷ درصد دانش‌آموزان مورد تحقیق را در بر می‌گیرد، همجنسگرا بوده‌اند و ۱۱ هزار و ۶۸۲ نفر یعنی ۲.۸ درصد نیز دست به خودارضایی می‌زده‌اند. سن روسپگیری به ۱۵ سال رسیده است. ۸۰ درصد دختران مورد پرسش در چند دبیرستان دخترانه تهران گفته‌اند که رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده‌اند.<sup>۳</sup> برخی با بیان آزر قرمز بحران جنسی، از احتمال وقوع انقلاب جنسی<sup>۴</sup> در ایران خبر داده‌اند. بحران جنسی مقدمه انقلاب جنسی است، در واقع انقلاب جنسی زمانی برای آزادسازی جنسی است که کلیشه‌های سنتی جنسی جامعه به پارامترهای دیگری تبدیل شود. عدم تمایل زوجین به فرزندآوری، سقط جنین، خیانت، تمایل ارتباط با حیوانات و همجنسگرایی از ویژگی‌های بحران جنسی در کشور است. برخی کارشناسان حوزه اجتماعی معتقدند که سازمان‌های اجتماعی هنجار درستی برای نیاز جنسی تعریف نکرده و جامعه با وضعیت به هم ریخته‌ای روبرو است. راه‌حل‌گذار از این بحران، ورود روشنفکران و متخصصان اجتماعی به این بحث با حمایت‌های دولتی است، این افراد باید بدون شعارزدگی با این مسئله برخورد و در مورد آن بحث کنند. اگر مثل گذشته نهادهای اجتماعی در برخورد با اینگونه آسیب‌ها متوسل به سیاست‌های فرهنگی سفت و سخت شوند، نمی‌توان به راحتی از بحران جنسی موجود در جامعه عبور کرد.<sup>۵</sup> اخیراً مستندی با عنوان «انقلاب جنسی» به کارگردانی حسین شهمقدری با ارائه گزارشی از وضعیت روابط جنسی در غرب برای اولین بار ذهن مخاطب ایرانی را با این مسائل آشنا کرده است. در برخی سکانسها، شاهد مصاحبه

۱. ایسنا، سایت خبری (۱۳۹۷)، چرا جامعه دچار بحران جنسی شده است؟.

۲. آفتاب نیوز، پایگاه خبری (۱۳۹۶)، آمار تکانه‌دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران.

۳. جماران، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری (۱۳۹۳)، گزارش تکان‌دهنده از روابط جنسی نامشروع در ایران، کد خبر: ۵۲۱۶۰

#### 4. Sexual revolution

۵. هشترودی، می‌گل (۱۳۹۷) آیا انقلاب جنسی در راه است؟! آزر قرمز بحران جنسی به صدا در آمده است، تندرست نیوز.

کارگردان با دختران و پسران آلمانی و هلندی درباره وفاداری به شریک جنسی در عین آشنایی و ارتباط آزادانه و پایبندی اخلاقی به عفاف در عین آزادی هستیم و سازندگان این مستند به طور ضمنی اینطور نتیجه گرفته اند که رابطه جنسی آزاد در جامعه لزوماً به معنی از بین رفتن عفت و اخلاق نیست و راهی که غرب در این خصوص طی می کند، نزدیک تر به آموزه های اسلامی است چون اسلام درباره روابط جنسی - برخلاف مسیحیت - سخت گیر نیست و اما کشور ایران در این باره به دور از آموزه های اسلامی است زیرا امکان رفع نیازهای جنسی برای بسیاری از افراد - غیر از ازدواج دائم - وجود ندارد.

در بین کشورهایی که در تماشای صفحاتی با محتوای پورن رتبه های یک تا ده جهان را کسب کرده اند، ایران رتبه چهارم را دارد. بی بند و باریهای جنسی ناشی از سرکوب های شدید جنسی است که باعث جولان دادن گرسنگان جنسی در جامعه می شود. علیرغم همه هزینه های صورت گرفته نه تنها بی بند و باری جنسی در کشور از میان نرفته، بلکه شاهد بروز انواعی از خشونت های جنسی هستیم.<sup>۱</sup> ریشه اصلی این بحران های جنسی در جامعه، عدم رفع نیاز جنسی از راه عادی و طبیعی (مشروع) و سرکوب این نیاز است.

از این هشدارها از لحاظ تحلیل حقوقی می توان نتیجه گرفت که اولاً جرایم جنسی در ایران دچار رقم سیاه است. یعنی بیشترین آمار جرایم نامکشوف را به خود اختصاص داده است. این جرایم به ضابطان و مقامات قضایی گزارش داده نمی شود و یا اینکه از دید عموم پنهان می ماند. ثانیاً جرایم جنسی در ایران تبدیل به مساله ای عادی و به نوعی فرهنگ و سبک زندگی تبدیل می شود. لذا می توان گفت اکنون مثلاً هشتاد درصد جوانان فلان شهر مجرم هستند چون مردم خود را ملزم به رعایت قانون نمی بینند. لذا همانطور که امیل دورکیم گفته است، جرم به پدیده ای عادی و بهنجار تبدیل شده و ممکن است موجب قبح زدایی از جرم شود.

جرم شناسی فرهنگی یکی از شاخه های جرم شناسی انتقادی معاصر است که می تواند در این بحث مورد استفاده قرار گیرد چون جرایم جنسی امروزه متأثر از فرهنگ هستند. این جرم شناسی بر گفتمان های فرهنگی غالب در تدوین قوانین و همچنین فرهنگ ها و خرده فرهنگ ها و سبک زندگی در ارتکاب جرایم تاکید می کند و معتقد است ارتکاب جرایم، ناشی از

۱. تیبان، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی (۱۳۹۶) گرسنگان جنسی.

سبک زندگی و تغییرات فرهنگی در جامعه می‌باشند.

بدیهی است تنها چیزی که در کوتاه مدت در دست‌دست‌اندکاران قانونی و قضایی قرار دارد، ضمانت اجرای کیفری است اما در بلندمدت اثر معکوس دارد که امروزه شاهد آن هستیم. افزایش غیرعادی جرایم جنسی در ایران می‌تواند این نکته را گوشزد کند که تدابیر کیفری تاکنون کارساز نبوده است و نیازمند اصلاح است. جامعه و فرهنگی که اکنون در ایران وجود دارد، نه از ساختار غربی تبعیت می‌کند و نه از ساختار اسلامی. بنابراین با توجه به اینکه اولین راه حل برای بحران جنسی در ایران، سرکوب کیفری بوده است و نتیجه‌ای نداشته است، لازم است مقررات مربوط به جرایم جنسی در ایران مورد بازبینی قرار گیرد که در این مقاله به بررسی آن پرداخته خواهد شد.

مقاله حاضر درصدد بررسی این است که سیاست کیفری ایران در قبال جرایم جنسی چه ایرادات و مشکلاتی دارد و در پرتو آموزه‌های جرم‌شناسی فرهنگی چگونه باید اصلاح گردد؟ روش تحقیق حاضر توصیفی و تحلیلی و مبتنی بر اصول و یافته‌های علم حقوق، جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی می‌باشد. در رابطه با این موضوع آزادی آکادمیک چندانی وجود ندارد اما سعی بر این است که با صراحت این موضوع مورد واکاوی قرار گیرد. سعی بر این است که با در نظر گرفتن واقعیات اجتماعی روز و با رویکردی نو و استفاده از اصول حقوقی، فقهی و جرم‌شناختی به تحلیل این مساله پرداخته شود و راهکار جدیدی برای اصلاح سیاست کیفری ایران در این خصوص پیشنهاد گردد. به سیاست کیفری برخی کشورهای غربی در برابر جرایم جنسی نیز اشاره‌ای خواهیم داشت تا از منظر تطبیقی مورد استفاده قرار گیرد و البته، رویکرد اسلام به جرایم جنسی را نیز با نگاهی تازه بررسی خواهیم نمود.

#### ۱- حمایت کیفری از امنیت اخلاقی: مبنایی برای جرم‌انگاری جرایم جنسی (با نگاهی تطبیقی)

اصولاً امنیت و اخلاق به دو حوزه جداگانه تعلق دارند. امنیت به دنبال ایجاد سازوکاری برای حفاظت عمومی از خطرات و تهدیدات است؛ در حالی که اخلاق درباره باید و نباید رفتار فردی است. اخلاق بیشتر با امور ذهنی سروکار دارد تا امور عینی. مساله این است که آیا امنیت می‌تواند اخلاق ایجاد کند؟ به عبارتی، سازوکارها و تدابیر امنیتی یعنی نهادهای

قانونی و انتظامی و نظامی که عهده دار امنیت هستند، می توانند با تحمیل اخلاق بر مردم، آنان را اخلاقی تر سازند؟

حوزه دخالت حقوق کیفری برای تنظیم اخلاق و عفت عمومی در حقوق ایران گسترده است. در حالیکه در نظام‌های حقوقی عرفی، حوزه اخلاقی جامعه تا زمانی که بحث ضرر به حقوق دیگران را در پی نداشته باشد، از مداخله دولت به دور است. در حقوق عرفی حوزه اخلاق الزاماً حوزه مداخلات حقوق نیست. اما با توجه به هنجارهای اسلامی در ایران، روابط جنسی توأم با رضایت نیز جرم انگاری شده است. این مداخله کیفری به مداخلات حکومت هم بسنده نکرده بلکه حتی به افراد عادی هم اجازه مداخله در این موارد را داده است که مواد ۳۰۲ و ۶۳۰ ق.م.ا. مصادیق آن است.<sup>۱</sup> تحقیق در دستگاه قانون گذاری ایران در رابطه با جرم انگاری رفتارهای خلاف اخلاق و عفت عمومی، در ابتدای امر با این دشواری روبه روست که دستگاه قانون گذاری ایران، به هنگام جرم انگاری رفتارهایی که در فقه جزایی امامیه گناه محسوب شده و برای آن‌ها کیفر معین در نظر گرفته شده، هیچ توجهی به مبانی جرم انگاری این رفتارها ندارد و در نتیجه برای یافتن این مبانی، باید به متون دینی و روایت‌های منقول از معصومین مراجعه کرد؛ امری که با توجه به عدم دسترسی به معصوم در عصر حاضر و بیان نشدن مبانی جرم انگاری بسیاری از رفتارها در اقوال معصومین در سایر عصور با مشکلات جدی روبه روست.<sup>۲</sup>

پس چرا برای برقراری اخلاق در جامعه باید تدابیر امنیتی و نیروهای نظامی آنچنان در فضای جامعه فعالیت کنند که گویی حادثه‌ای تروریستی رخ داده است؟ ایجاد امنیت اخلاقی در جامعه صرفاً با اهرم کیفر و تدابیر امنیتی نمی تواند کارساز باشد و کنترل‌های اضافی و مکررانه خود ممکن است به ناامنی دامن بزند.

سیاست جنایی اسلام در مبارزه با جرایم جنسی تدابیری را در سه گام طولی طراحی کرده است: در گام نخست با تدابیری منطبق بر جنبه‌های روانشناختی و جامعه شناختی، آستانه مقاومت فرد را در برابر کشش‌های انحرافی غریزه جنسی بالا می‌برد و یک نیروی کنترل درونی

۱. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، قلمرو امنیت در حقوق کیفری، چاپ اول، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ص ۲۲۵.

۲. ورورایی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید (۱۳۹۳)، تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم، ص ۴۳.

در افراد ایجاد می‌کند تا بدون نیاز به نیروی کنترل بیرونی، از ورود به منطقه ممنوع رفتار جنسی دوری گیرند؛ در گام بعدی می‌کوشد با سخت کردن دسترسی به آماج و تجویز عکس العمل تدافعی برای افراد در معرض تعرض، اشخاص در مظان ارتکاب جرم را از اجرایی کردن افکار مجرمانه خود بازدارد و در گام سوم، به عنوان آخرین راه، با وضع تدابیر کیفری متناسب با انواع جرایم جنسی و اوضاع و احوال مرتکب جرم، درصدد بازدارندگی و اصلاح مجرم و عبرت آموزی افراد مستعد ارتکاب جرم است.<sup>۱</sup> اما قوانین ایران در اولین گام می‌خواهد با تدابیر کیفری با جرایم جنسی مقابله کند که بدیهی است تاثیری در کاهش این جرایم ندارد.

بند یک اصل سوم قانون اساسی، دولت را به ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا موظف کرده است. لذا طبق این اصل، رشد فضایل اخلاقی صرفاً با ابزار « مبارزه با تمامی مظاهر فساد و تباهی کیفر ممکن نیست بلکه ایجاد محیطی بر اساس ایمان و تقوا است که فضایل اخلاقی را تقویت می‌کند. تنها راه مبارزه با ناامنی اخلاقی، فقط حقوق کیفری نیست بلکه حقوق کیفری آخرین راه چاره است زیرا تاکنون منجر به از بین رفتن فساد و تباهی نشده است. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های مبارزه با فساد و تباهی، تصویب قوانین عادلانه‌ای است که مفسده انگیز نباشد. بنابراین ضرورتی ندارد حقوق در تمام حوزه‌های اخلاقی وارد عمل شود و با ضمانت اجرای قانونی سعی در اجرای قواعد حقوقی برآید.

اهتمام اسلام بر حفظ فضای معنوی جامعه و نظام ارزشی آن، با جرم‌انگاری رفتارها و اعمال تعزیر و مجازات ملازمه ندارد. لذا جرم‌انگاری حداقلی با آموزه‌های قرآنی هم سازگار است. در قرآن کریم دعوت به سوی خدا و معنویت‌ها با رعایت حکمت و موعظه و جدال نیکو همراه شده است و بر جرم‌انگاری تأکید نشده است. در قرآن در حوزه جرایم جنسی تنها مجازات زنا تصریح شده است لذا جرم‌انگاری حداکثری برای کشف و تعقیب و مجازات در جرایم جنسی و منافی عفت با آموزه‌های قرآنی و حفظ کرامت انسانی سازگاری ندارد. چنین روشی برای قانونگذار مفید است تا با ایجاد بسترهای فرهنگی، به راهکارهای غیر کیفری اندیشیده شود.<sup>۲</sup>

۱. محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۸)، سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴، ص ۱۱۵-۱۱۷.

۲. مهریزی، مهدی و دانش پژوه، وهاب (۱۳۹۵) قرآن و جرم‌انگاری حداقلی، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره دوازدهم، ص ۱۳۳.

استدلال کشورهای لیبرال این است که دولت نباید در زندگی شخصی روزانه افراد مداخله کند و «حق بر مجازات نشدن» و «دولت محدود» از اصول اساسی این کشورهاست. قوانین مربوط به جرم انگاری اعمال جنسی، منسوخ بوده و یادآور رمان‌های قرن نوزدهم است و نوعی قانونگذاری اخلاق محسوب می‌شود. لذا چرا باید دولت نگران امور جنسی توأم با رضایت افراد در اتاق خواب باشد؟<sup>۱</sup>

به عقیده دکترین حقوقی لیبرال، زشت بودن عمل برای برخورد کیفری با آن کافی نیست. زیرا زشت بودن عمل فقط با مقیاس معیارهای اخلاقی قابل اثبات است و حال آنکه الزام قانونی اخلاق ممکن نیست. یعنی نمی‌توان با توسل به حقوق کیفری درصدد الزام اخلاق و ارزش‌های اخلاقی برآمد. به همین دلیل هم طبق اندیشه لیبرال، جرم انگاری هرزه نگاری یا پورنوگرافی نه تنها ممکن نیست بلکه با توجه به تضاد آن با آزادی بیان و مطبوعات برخلاف ارزش‌های لیبرال است.<sup>۲</sup> دیدگاه لیبرال این است که دولت در برابر اخلاق وظیفه‌ای ندارد اما ممکن است یک فعل یا صفت اخلاقی را از حیث اجتماعی مدنظر قرار دهد. از این رو، دولت‌ها باید هنگام جرم انگاری اعمال ضد اخلاقی دقت کنند که فعل مورد نظر داخل در قلمرو آزادی و حریم خصوصی نباشد. نمی‌توان صرفاً به این علت که فعلی از منظر اخلاقی برای شخص مضر است یا عقوبت اخروی دارد اقدام به جرم انگاری آن نمود. در این صورت حمایت مدنی در تبعیت از این گونه قوانین فراهم می‌گردد و نافرمانی‌های مدنی در جامعه بروز نمی‌کند. لذا اگر راهی غیر سرکوب گرانه وجود دارد نباید از الزامات قهری بهره برد.<sup>۳</sup> از این رو، در نظام حقوقی غرب، کنترل یک رفتار صرفاً به این دلیل که بر اساس معیارهای پذیرفته شده یک جامعه، غیر اخلاقی است، وظیفه حقوق کیفری نیست. آنچه در حریم خصوصی خانه کسی انجام می‌شود، تا زمانی که به دیگری آسیب نرساند ربطی به دولت ندارد. افراد حق دارند موضوع برخوردهای سخت و بدنام کننده از سوی دولت قرار نگیرند. هرگونه تلاش برای توجیه قوانینی که افراد را موضوع مداخله کیفری دولت قرار می‌دهد باید

1. [https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite\\_note-217](https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite_note-217).

۲. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲) جامعه شناسی حقوق کیفری، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، نشر میزان، ص ۲۲۷-۳۳۸.

۳. خدابخشی، علی (۱۳۹۰)، حمایت حقوق کیفری از اخلاق و ارتباط آن با آزادی و حریم خصوصی اشخاص در حقوق ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه گیلان، ص ۱۰

برای لغو حق مجازات نشدن کافی باشد.<sup>۱</sup> حق بر مجازات نشدن را می‌توان با اصل اباحه در فقه اسلام تطبیق داد. در حقوق غرب که منبع شرعی برای جرم‌انگاری وجود ندارد، برای مداخله کیفری باید استدلال‌های قوی و قابل توجیه بیان شود و اگر چنین دلیلی وجود نداشته باشد، عمل جرم‌انگاری نمی‌شود. چون امروزه عصر حق‌مداری است تا تکلیف‌مداری و گستره حق‌ها روز به روز افزایش می‌یابد. البته این حق‌مداری زمانی که منجر به آسیب و تهدیدی برای امنیت جامعه شود، جرم‌انگاری می‌شود.

برای مثال، در سال ۲۰۱۳ در سوئد دادگاه مردی را که کنار ساحل اقدام به خودارضایی کرده بود محکوم نکرد زیرا به گفته دادگاه «وی عمل جنسی خود را نسبت به شخص معینی هدف قرار نداده است.<sup>۲</sup> به عبارتی، این عمل به هیچ کس ضرر نرسانده است و از جرایم بدون بزه دیده است. پس در جرایم جنسی شرط است که شخص یا اشخاصی هدف قرار گرفته باشند و تعرض و آسیب جسمی یا حیثیتی به آنها وارد شود. البته جرم نبودن عمل به این معنی نیست که وی را رها کنیم چون این عمل در ملاعام می‌تواند یک انحراف باشد. به هر حال، ملاک جرم‌انگاری جرایم جنسی در گفتمان غربی عنصر رضایت است و اگر این عنصر وجود نداشته باشد، رفتار دارای کیفر است که حتی رابطه جنسی با همسر بدون رضایت وی جرم محسوب می‌شود.

اعمالی چون «برهنگی در انظار عمومی»<sup>۳</sup>، «سکس در ملاعام»<sup>۴</sup> در کشورهای انگلستان، آمریکا، استرالیا و کانادا با تفاوت‌هایی جرم‌انگاری شده است و «جریحه دار کردن عفت عمومی»<sup>۵</sup> در انگلستان و ولز جرم می‌باشد. «بی‌دی اس ام»<sup>۶</sup> به رفتارهای سادیستی و مازوخیستی گفته می‌شود که در طول رابطه جنسی توسط فرد سادیست (دگرآزار) بر فرد مازوخیست (خودآزار) اعمال می‌شود و شامل تحقیر و یا آزارهای جسمی و روانی است و رابطه توافقی و مبتنی بر رضایت است. بی‌دی اس ام در کشورهای چوکانادا و آلمان و ایتالیا و سوئد و سوئیس جرم نیست اما در انگلستان و برخی ایالات امریکا جرم‌انگاری شده

۱. محمودی جانکی، فیروز؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲)، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم، ص ۵۰.

۲. <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/swedish-court-rules-that-it-is-okay-to-masturbate-in-public-8826589.html>, 2013. Accessed August 2018

۳. Indecent exposure

۴. Public sex

۵. Outraging public decency

۶. BDSM =B/D (Bondage and Discipline) S/M (Sadism and Masochism)

است.. در اتریش و ایتالیا گفته شده که اگر آزار موجب ۲۴ روز باقی بماند جرم است و این روابط در ملاعام و با نابالغان جرم است.<sup>۱</sup> اما در انگلستان در پرونده‌هایی چون *R v Brown* (1994) و در امریکا در *Doe v. George Mason University* (2016) جرم محسوب شده است.

همچنین اخیراً زنا (روابط افراد متاهل) در دو کشور کره جنوبی و هندوستان جرم زدایی شد. در کره جنوبی در سال ۲۰۱۵ دیوان عالی ستول قانون ۱۹۵۳ را باطل اعلام کرد و بیان داشت «حتی اگر زنا غیراخلاقی باشد، قدرت دولت نباید در زندگی خصوصی افراد مداخله کند... و حق تعیین سرنوشت شامل حق انتخاب شریک جنسی می‌شود... همچنین جامعه کره به اندازه کافی متحول شده و سال ۲۰۱۵ سال ۱۹۵۳ نیست.<sup>۲</sup> دیوان عالی دهلی نو در هند نیز در سال ۲۰۱۸ قانون دوران استعمار انگلیس را که زنا را جرم انگاری کرده بود، باطل اعلام نمود. بدین ترتیب این دو کشور با به روز کردن قوانین گذشته و متناسب نمودن قوانین با تحولات اجتماعی و فرهنگی روز، موجب تحول نظام حقوقی خود شدند. امروزه در قوانین کیفری اکثر کشورها از جمله تمام کشورهای اتحادیه اروپا، کشورهای آمریکای لاتین، چین، ژاپن و استرالیا زنا جرم نیست. البته گاهی از ضمانت اجرای مدنی استفاده شده است مثلاً در چین زنا زمینه‌ای برای طلاق است.

در این نظام‌ها که منشأ حقوق، اراده و خرد و خواست جمعی است، بنیان و اساس قوانین ناشی از تبلور توافق جمعی است و خواست اجتماعی در وضع قوانین نمود واقعی دارد. لذا در این نظام‌ها موضوعات حقوق کیفری بر اساس خواست و اراده عمومی میانگین شهروندان تعیین می‌شود و حاکمیت با هرگونه اعتقادی مداخله‌ای در افزایش و کاهش سیاهه جرایم ندارد. به این سان، قوانین برای تامین مطالبات شهروندان، به سهولت قابل تغییر و تحول هستند.<sup>۳</sup>

امروزه رابطه آزاد بین زن و مرد مجرد (Fornication) تنها در ۱۲ کشور دنیا جرم است که

1. Barker, Meg; Iantaffi, A.; Gupta, C. (2007). "Kinky clients, kinky counselling? The challenges and potentials of BDSM" (PDF). Open Research Online. Routledge. Retrieved 12 January 2011.

2. <https://edition.cnn.com/2015/02/26/asia/south-korea-adultery/index.html>

۳. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵)، رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، سال اول، شماره ۱، ص ۳۲.

عبارتند از پاکستان، افغانستان، ایران، کویت، مالدیو، مراکش، عمان، موریتانی، امارات متحده عربی، قطر، سودان و یمن. در بقیه کشورها این عمل با هیچگونه واکنشی مواجه نیست و امری کاملاً عادی و طبیعی است.

باید اشاره نمود امروزه انحرافات و نابهنجاری‌های جنسی (پارافیلی) در علم روانشناسی و سکس‌شناسی طبقه بندی شده است که از مهمترین آنها بچه بازی (پدوفیلیا)، مازوخیسم، سادیسم، حیوان دوستی، مرده خواهی و عورت‌نمایی است. سیاست جنایی کشورها در برخورد با این انحرافات همیشه به صورت کیفری نیست و در اکثر کشورها مداخلات روانشناختی در این زمینه‌ها صورت می‌گیرد مگر اینکه به دیگری آسیبی وارد شود و مایه آزار دیگران شود. اما رابطه جنسی زن و مرد مجرد همراه با رضایت آنها پدیده‌ای کاملاً عادی و بهنجار می‌باشد لذا نباید با آن هیچگونه برخورد کیفری یا روانشناختی صورت گیرد. بدین سان روابط آزاد بین دختران و پسران مجرد موجب اخلال در امنیت اخلاقی جامعه نخواهد بود چون چنین روابطی صرفاً در پی ارضای نیازهای انسانی، عاطفی و جنسی هستند و قصد برهم زدن امنیت جامعه را ندارند و در پی تغییر و براندازی ارکان نظام اسلامی هم نیستند.

در رویارویی با ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم‌انگاری آخرین سلاح است. چون مجازات به دلیل اینکه در ذات خود خشن و بد است همواره نیازمند توجیه کافی است. این «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری» است که از مستندات عقلانی و اخلاقی و اسلامی برخوردار است. به همه هنجارهای اخلاقی نمی‌توان صورت قانون-آن هم قانون جزایی-داد. در این صورت در گام نخست این اخلاق است که آسیب می‌بیند. اسلام هم در آموزش ارزش‌ها و اعلام آنها بر جرم‌انگاری تاکید نمی‌کند.<sup>۱</sup>

به همین دلیل مطابق ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، تحقیق در جرایم منافی عفت اصولاً ممنوع است مگر در موارد استثنا (وجود شاکی خصوصی، ارتکاب به عنف و سازمان یافته بودن) و اصل بر بزه پوشی در این نوع جرایم می‌باشد. «شارع مقدس اسلام بر اغماض و چشم پوشی از این جرایم تاکید دارد و توبه و ندامت درونی را بر مجازات ظاهری ترجیح

۱. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰) اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱، ص ۱۱۳.

می‌دهد. از طرفی حیثیت و آبروی اشخاص، گوهر گرانبهائی است که هیچ همسنگی جز حرمت کعبه ندارد و در حفظ آن باید کوشش کرد.<sup>۱</sup>

بسیاری از فقهای امامیه مانند علامه حلی قائل به تعطیل حدود بوده و گفته اند اقامه حدود شرعیه از امور مختص به معصومین (ع) است. این نظریه واجد توجیه اجتماعی است زیرا اسلام دارای ابعاد مختلف تربیتی و اخلاقی و اجتماعی است. آیا در زمان ما با اجرای حد شرعی بر زنی که برای سیر کردن شکم فرزندانش تن به عصیان داده، خانواده‌ای را به آغوش فساد و تباهی نمی کشیم و آیا در چنین مواردی دفع فاسد به افسد نمی کنیم؟ امام علی (ع) برای حفظ بچه شیرخوار حد را اجرا نمود، آیا فقهای عادی مجازند در این موارد تصمیم بگیرند؟<sup>۲</sup> حال اگر برای پیشگیری از فساد در جامعه اولین راه حل را اقامه حدود و کیفر بدانیم، نه تنها فساد از بین نمی روند بلکه فسادهای دیگری نیز رشد خواهند کرد.

از طرفی اگر انجام عملی مایه بیزاری از دین و سب حرج مسلمانان و یا جامعه اسلامی شود مانند اینکه مسلمانان به دلیل پابندی به برخی احکام شریعت در زندگی اجتماعی خود دچار حرج و سختی گردند، جایز نیست. چنانچه اجرای حکمی از شریعت مستلزم رویگردانی مردم از اصل دین باشد، شارع حکیم نه تنها بر اجرای آن اصرار نمی ورزند که راضی به اجرای آن نخواهد بود.<sup>۳</sup> بنابراین ضرورتی ندارد فقط با کیفر و سرکوب، جامعه را اخلاقی کنیم. زیرا کیفر روابط جنسی توأم با رضایت جوانان امروزه در ایران منجر به رویگردانی از دین اسلام می‌شود که شارع به آن راضی نیست.

ایران یکی از دوازده کشوری است که هرگونه رابطه دختر و پسر مجرد را در ماده ۶۳۷ ق.م.ا جرم انگاری کرده است. از منظر ریشه فقهی، این جرم در قرآن نیامده است و هیچ دلیل روایی در این خصوص وجود ندارد فقط به مصادیق اعمال منافی عفت غیر از زنا در روایات و نظر فقها اشاره شده است. این ماده برای هردو جرم مذکور مجازات تا ۹۹ ضربه تعیین کرده است که به لحاظ شدت در قباحته عملی منافی عفت غیر از زنا، دور از عدل و انصاف است. مصادیق این جرم تمثیلی است که شامل هرگونه تقبیل، مضاجعه، معانقه، مکالمه، مصافحه و

۱. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول، نشر میزان، ص ۳۱۲.

۲. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، قواعد فقه بخش جزایی، چاپ بیست و هشتم، مرکز نشر علوم انسانی، ص ۲۹۶.

۳. نوبهار، رحیم (۱۳۸۴)، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه دکتر شهیدی)، ص ۱۴۴-۱۴۷.

مکاتبه و اختلاط می‌گردد.<sup>۱</sup> در مورد این جرم، رویه قضایی ایران رویکرد واحدی اتخاذ نکرده است. در دهه ۶۰ و ۷۰ شمسی ارتباط تلفنی و مکاتبه‌ای و صرف خلوت کردن زن و مرد نامحرم را جرم نمی‌داند اما در اواخر دهه ۸۰ و ۹۰ ارتباط تلفنی و مجازی را که محتوای جنسی داشته باشد جرم می‌داند.<sup>۲</sup>

از منظر روایی فقط مصادیقی از روابط غیر از زنا در روایت ذکر شده که نمی‌توان آنها را به همه موارد مشابه تسری داد. روایاتی که در این خصوص موجود است معمولاً در پاسخ به سوالات اشخاص ذکر می‌شد که در متن اجتماعی و فرهنگی آن جامعه قابل فهم بود. لذا لازم به ذکر است متون دینی را باید با توجه به بسترها و تحولات تاریخی و اجتماعی و فرهنگی زمان و مکان تفسیر کرد که خاصیت فقه پویای شیعه همین است. رابطه نامشروع در دسته گناهان کبیره هم نیست. دلیل عقل هم دارای چالش است چون امروزه با پیشرفت فناوری و علوم و رعایت اصول می‌توان از بیماری‌های مقاربتی جلوگیری کرد و نسب افراد را تعیین نمود. اما مورد فروپاشی خانواده در اثر این جرم بحثی است که باید در حوزه جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. در شرایط فعلی به دلایل اقتصادی امکان تشکیل خانواده برای بسیاری از جوانان ممکن نیست و عملاً خانواده نزدیک به فروپاشی است. لذا جلوگیری از وقوع جرم روابط نامشروع به معنای حفظ کیان خانواده نیست. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، این جرم در ایران دارای رقم سیاه بالایی است و افراد زیادی آن را دارای قبح ذاتی نمی‌دانند و امری عادی و طبیعی تلقی می‌کنند. بنابراین عامل اصلی فروپاشی خانواده را شرایط نامساعد اقتصادی جامعه سبب می‌شود نه ارتکاب جرم رابطه نامشروع.

طبق مبانی فقهی، تعزیر برای گناهان و تخلفات به عنصر مصلحت بستگی دارد. تعزیر موکول به امام است و اگر تعزیر را به مصلحت بدانند انجام می‌دهد و اگر ترک آن را مصلحت بدانند از تعزیر خودداری می‌کند. لذا تعزیر بیش از آنکه دایره مدار گناه باشد، تابع مصلحت است. رعایت مصلحت در تعزیر به معنای در نظر گرفتن خرد جمعی و بهره‌گیری از نظر کارشناسان در جرم‌انگاری است. جرم قلمداد کردن تمام گناهان به تورم کیفری

۱. قدسی، سیدابراهیم و پورزرین، علی (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مطالعات اسلامی، شماره ۶۷، ص ۱۵۶-۱۷۶.  
۲. جوانمرد، ۱۳۹۵، ص ۳۱.

می‌انجامد و وقتی بسیاری از امور جرم باشند، به دنبال آن مجازات، در ذهن و باور تابعان قانون امری عادی یا شبه عادی می‌شود و از قبح جرایم کاسته می‌شود. شارع اسلام در کنار کیفر به حفظ حرمت و عرض افراد هم تأکید نموده است که راه‌های اثبات جرایم جنسی موید این امر است.<sup>۱</sup> لذا روایاتی که مقدار مجازات در تعزیرات را معین نموده است از جنس احکام حکومتی است که با تغییر زمان و مکان قابل تغییر است و واگذاری تعزیر و کیفیت و مقدار آن به امام و حاکم موید این امر است. چنین احکامی بر پایه مصلحت و منافع جامعه استوار است. تحولات فرهنگی جامعه‌ها می‌تواند دلالت متون دینی و غیردینی آن جامعه‌ها را دستخوش تحول سازد. مسلمانان می‌توانند و بلکه موظفند در هر عصر «عدالت» عینی مصداق‌های اثباتی و سلبی دین را اساس سازماندهی عادلانه اجتماعی خود قرار دهند. زیرا آنچه حکومت‌ها به کار می‌گیرند اموری بشری هستند که با عقل و تجربه انسان تاسیس می‌شود اما اوامر و نواهی خداوند به وسیله انسان شنیده می‌شوند و نه تاسیس. حکومت‌ها حتی اگر متعهد به عمل به اوامر و نواهی الهی در امور اجتماعی و سیاسی باشند، این تعهد آنها و همه پیامدهای آن اموری بشری است. این کار نقطه مقابل اطاعت از اوامر و نواهی الهی نیست بلکه مقتضای آن یعنی الزم به عدالت و اجتناب از ظلم می‌باشد.<sup>۲</sup> از طرفی امکان تبدیل مفهوم متون در طول تاریخ زندگی اجتماعی یک اصل مهم در زبان‌شناسی و هرمنوتیک مدرن است. لذا قانونگذاران باید قوانین مجازات را با توجه به تغییرات اجتماعی که به دولت-ملت شدن جامعه ما منتهی شده، بر مبنای پاسداری از عدالت تدوین کنند نه بر مبنای زندگی‌های قبیله‌ای گذشته.<sup>۳</sup> پس در اجرای احکام شریعت نمی‌توان صرفاً بر منطق وظیفه‌گرایی اعتماد کرد بلکه مکلف باید به بازتاب‌ها و پیامدهای اجتماعی و انسانی عمل خویش هم توجه نماید.

## ۲- ریشه یابی جرایم جنسی با تأکید بر جرم‌شناسی فرهنگی

از منظر جامعه‌شناختی، مطالعه تحولات اجتماعی ایران نشانگر امواج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی است. رسیدن فاصله بلوغ جنسی و اقتصادی به ده سال و بیکاری منجر به نوعی

۱. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰) اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، ص ۱۱۰.

۲. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸)، بستر معنوی و عقلایی علم فقه، نشریه کیان، شماره ۴۶، ص ۱۲.

۳. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۹۳)، پاسداشت عدالت یا حفظ حق انتقام، مندرج در سایت رسمی محمد مجتهد شبستری.

وضعیت آنومیک شده است که نتیجه این امر شکل‌گیری نگرش‌های آنومیک و پیدایش ارزش‌های جدید است. امروزه، تفاوت در نگرش به نحوه رابطه با جنس مخالف به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌های شهری بدل شده است.

طبق تحقیقات میدانی، در حال حاضر روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران به حداقل شش دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: ۱- روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری و مبتنی بر پول)، ۲- روابط صیغه‌ای، ۳- روابط دوست‌دختر دوست‌پسر (مبتنی بر عشق رمانتیک)؛ ۴- روابط هم‌خانگی (ازدواج سفید یا غیررسمی)؛ ۵- روابط ضد عاشقانه (مبتنی بر فریب) و ۶- روابط مبتنی بر عشق سیال (روابط دوستانه با تعهد کمتر) که روابط دسته‌های اول و دوم در گفتمان پیشامدرن و دسته‌های سوم و چهارم و پنجم مدرن و دسته ششم پست مدرن قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> رابرت مرتون جرم‌شناس آمریکایی در نظریه فشار بر این مطلب تأکید کرده که ساختارهای اجتماعی چگونه فشار معینی را به بعضی افراد جامعه وارد می‌آورد که به جای هم‌نوایی، ناهم‌نوایی می‌شوند. در این خصوص هم آنومی زمانی پدید می‌آید که در جامعه بر ازدواج و تشکیل خانواده بیشتر از اشتغال و مقدمات آن تأکید شود. احساس محرومیت موجب نارضایتی در افراد شده و این نارضایتی تبدیل به محرکی برای اقدام علیه منبع آن محرومیت به شیوه‌های جدید می‌شود. فشارهای فرهنگی در کنار سایر عوامل چون احساس نیاز و شرایط اقتصادی موجب پیدایش ارزش‌های جدید فرهنگی در جامعه می‌شود که عامل گسترش روابط جنسی بوده است.<sup>۲</sup>

در گفتمان غالب فرهنگی جامعه ایران بر ازدواج و تشکیل خانواده بسیار توصیه می‌شود و لذا ازدواج یک ارزش محسوب می‌شود که افراد باید به آن دست یابند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در بند ۱ اصل ۴۳ بر تأمین نیازهای اساسی و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه تأکید شده است و در مقدمه قانون مذکور نیز بیان شده که خانواده کانون اصلی رشد و تعالی « خانواده برای همه انسان است و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. همچنین اصل ۱۰ مقرر نموده خانواده واحد

۱. آزادارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۰)، سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران، جامع پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، ص ۲-۱۲۰.

۲. آزادارمکی، تقی و شریفی‌ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸، ص ۴۵۴.

بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد. در راستای تحقق بخشیدن به این آرمان قانون اساسی «قانون تسهیل ازدواج جوانان» مصوب ۱۳۸۴ به توانمندسازی جوانان برای تشکیل خانواده توسط دولت تاکید کرده است. علاوه بر دولت، تمام دستگاه‌های دولتی و نهادهای عمومی طبق این قانون موظفند در این امر همکاری کنند. دولت مکلف است برای فرهنگ سازی ازدواج، جوانان و خانواده‌ها را در جهت کاهش هزینه‌های تشریفات مراسم ازدواج تشویق کند. طبق ماده ۶ این قانون دولت باید به منظور نظارت بر اجرای این قانون کمیته سامان ازدواج در استان‌ها تشکیل دهد.

اما در عمل نه تنها بر قانون اساسی و قانون تسهیل ازدواج جوانان عمل نشده است بلکه موقعیت فعلی از آرمان‌های این قوانین به دور است. اصول ذکر شده در این دو قانون هیچ ضمانت اجرایی ندارد. تلاش دیگری که در این راستا انجام شد، ایجاد خانه عفاف در سال ۱۳۸۱ برای تسهیل امر ازدواج و ساماندهی معضل روابط جنسی بود اما مورد تصویب قرار نگرفت. لذا اکنون کسانی که برای تامین نیازهای اساسی خود مرتکب جرایم جنسی می‌شوند، خود قربانی هستند. اول قربانی سیاست‌های غلط ساختاری و فرهنگی و اقتصادی که منجر به روابط جنسی آنومیک می‌شود و دوم قربانی تدابیر کیفری شدید پس از ارتکاب جرم که منجر به طرد آنها از جامعه می‌گردد.

جرم شناسی فرهنگی یکی از شاخه‌های جرم شناسی انتقادی است که به هنگام مطالعه جرم، ضمن بررسی متن اجتماعی و فرهنگی ظهور و فعالیت مجرمانه، گفتمان خود را بر اساس سه حوزه «فرهنگ به مثابه جرم»، «جرم به مثابه فرهنگ» و «بازنمایی رسانه» صورت بندی می‌کند. منظور از فرهنگ در این فرآیند، سبک زندگی، آداب و رسوم و نحوه گفتار و پوشش و معانی مشترکی است که بین گروهی از مردم قابل ردیابی است.<sup>۱</sup>

منظور از جرم به مثابه فرهنگ، تبدیل رفتارهای مجرمانه به نوعی سبک زندگی و خرده فرهنگ است. منظور از فرهنگ به مثابه جرم، جرم انگاری و مداخله حقوق کیفری در حوزه

۱. فرجیها، محمد و الله وردی، فرهاد (۱۳۹۳)، رویکرد جرم شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷، ۸۸

فرهنگ است که جنایی سازی گفتمان فرهنگی صورت می‌گیرد و برخی جنبش‌های مدنی و فرهنگی در اثر یک سری حوادث، برچسب مجرمانه و انحرافی می‌خورند و طرد می‌شوند.

عامل مهم شکل‌گیری مقوله جرم به مثابه فرهنگ، محرومیت‌ها و نابرابری‌هاست. افراد محروم از ابزارهای قانونی برای حل مشکلات خود، به تعامل با همفکران خود روی می‌آورند و خرده فرهنگ‌ها را شکل می‌دهند. این خرده فرهنگ‌ها رفتارهای مجرمانه را عادی و مشروع جلوه می‌دهند که گاهی به صورت خشونت آمیز و گاهی به صورت مسالمت آمیز است. جرایم جنسی نیز در راستای پدیده «جرم به مثابه فرهنگ» قابل تحلیل است. بسیاری از افراد از راه‌های قانونی توانایی ارتباط با جنسی مخالف و رفع نیازهای جنسی را ندارند که این محرومیت از راه‌های مشروع منجر به شکل‌گیری فرهنگ یا خرده فرهنگ مجرمانه می‌گردد و جرایمی چون رابطه نامشروع و زنا تبدیل به رفتارهایی عادی شده و از آنها قبح زدایی می‌شود. ازدواج دائم تنها راه «فرهنگی» تامین نیازهای جنسی در ایران است لذا اگر این راه دست نیافتنی باشد، مسلم است که راه‌های فرهنگی دیگری برای رفع این نیازها و محرومیت‌ها ایجاد می‌گردد و سبک‌های زندگی جدیدی برای ارضای نیازها پیدا می‌شود. بدین ترتیب فرهنگی که صرفاً بر ازدواج دائم یا بر کنترل و سرکوب نفس طولانی یا دائمی توصیه کند طرفدار چندانی نخواهد داشت. فرهنگ تک بعدی در جامعه و وجود یک فرهنگ مسلط و غالب که فرهنگ‌های دیگر را طرد و نفی کند، دوام نمی‌آورد.

این مساله گاهی منجر به اخلال در نظم اجتماعی و فرهنگی جامعه هم می‌شود. عدم دستیابی به فرهنگ و ارزش غالب-ازدواج دائم- و افزایش محرومیت‌ها در این خصوص موجب می‌شود نیازهای جنسی از طریق برخی سایت‌های مستجهن و برنامه‌های نرم افزاری دیگر و سکس مجازی یا در برخی مکان‌های عمومی و نامناسب دیگر رفع شود که منجر به اخلال فرهنگی و اجتماعی می‌شود. ارتکاب اعمال جنسی در چنین مکان‌هایی جرم مشهود محسوب شده و مقامات پلیسی و قضایی حق تحقیق و تعقیب را خواهند داشت.

اگر مقررات کیفری قابلیت انطباق با فطرت بشر و فرهنگ‌های جامعه را نداشته باشد، همواره به زیان مردم خواهد بود. زیرا مردم یا مجبورند محدودیت‌ها را بپذیرند و یا با آن مقابله کنند. پذیرا شدن آن موجب از دست رفتن آزادی و مقابله با آن موجب تحمل مجازات می‌شود و ممکن است موجب اعتراض بیشتر مردم گردد. از این رو، قانون ناعادلانه مصداق

خشونت است و اگر قانون کیفری حق متفاوت بودن و سبک‌های زندگی را به رسمیت نشناسد می‌تواند خشونت‌زا باشد که منجر به نافرمانی مدنی می‌شود.<sup>۱</sup> مردم دو نوع واکنش به این نوع قوانین نشان می‌دهند: یا آن را می‌پذیرند ولی در موقعیت‌های دیگر مرتکب جرم شده و در واقع قانون را دور می‌زنند تا جرم‌شان کشف نشود؛ یا اینکه قانون شکنی می‌کنند و در نتیجه موجب مجازات و برچسب زنی می‌شود. اکنون ماده ۶۳۷ ق.م.ا در عمل متروک و خنثی شده است زیرا افراد زیادی به خصوص جوانان مرتکب جرم موضوع این ماده می‌شوند. این ماده قانونی تلویحاً به این امر اشاره دارد که تنها راه رفع نیازهای جنسی ازدواج است و هر راه دیگری غیر از این تا ۹۹ ضربه شلاق خواهد داشت. این یعنی طرد و سرکوب فرهنگ مردم جامعه که نتیجه آن، قانون شکنی است. قانون می‌خواهد در این خصوص از امنیت اخلاقی حمایت کند، اما خود این قانون حامی چندانی ندارد. در نتیجه، قانون و کیفر نمی‌تواند با فرهنگ مقابله کند و در جدال قانون و فرهنگ، قانون است که شکست می‌خورد و طرد می‌شود و فرهنگ ممکن است باقی بماند. چیزی که می‌تواند با فرهنگ مقابله کند، فرهنگ است که با استدلال و علم و منطق و اقناع می‌تواند فرهنگ‌های دیگر را شکست دهد.

از یک سو رسانه‌ها هم در شکل‌گیری و تغییر فرهنگ بی‌تاثیر نبوده‌اند. با گسترش رسانه‌های جمعی و ایجاد دهکده جهانی، فرهنگ‌های مختلف دیده شده و آموخته می‌شوند. با توجه به اینکه امروزه در اغلب کشورها آزادی جنسی وجود دارد و بعد از انقلاب جنسی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و جنبش عشق آزاد در آمریکا و کشورهای دیگر روابط جنسی دختران و پسران آزاد شده است، لذا این سوال در ذهن افراد ایرانی مطرح می‌شود که چرا در ایران این اعمال ممنوع است و پاسخ قانع‌کننده‌ای هم نمی‌یابند و قانع نمی‌شوند. ممکن است دلایلی چون حاملگی ناخواسته و بیماری‌های مقاربتی بیان شود، اما امروزه با پیشرفت و آموزش‌های صحیح از چنین مشکلاتی جلوگیری می‌شود. شاید بتوان گفت علت حکم ممنوعیت روابط جنسی نامشروع از بین رفته است و وقتی علت از بین رفته باشد، حکم هم از بین خواهد رفت.

به این دلیل یک بحث معرفت‌شناختی ایجاد می‌شود که مثلاً وقتی گفته می‌شود فلان فیلم

۱. حمزه زینالی، امیر (۱۳۸۸)، مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان، ۴۱۳.

را نبین، اولین چالش که در ذهن به وجود می‌آید این است که از کجا می‌دانید آنچه شما می‌فهمید درست باشد؟ در موضوعی مانند بستن کمر بند ایمنی روشن است که برای تضمین سلامت است اما در موارد فرهنگی مساله به این سادگی نیست. لذا هزینه‌های درگیری با جامعه در امور فرهنگی و اخلاقی زیاد است. وقتی از فرهنگ صحبت می‌شود، از امر امنیتی و سیاسی و مخفی صحبت نمی‌شود. از این رو، در مقام قانون گذاری فرهنگی به حق انتخاب افراد باید احترام گذاشته شود و نگاه حق محور به سیاست گذاری فرهنگی داشت نه نگاه تکلیف محور.<sup>۱</sup>

اکنون وضعیت جامعه ایران در حوزه مسائل جنسی و خانوادگی در وضعیت آنومیک است و در بی نظمی به سر می‌رود. افزایش طلاق، خیانت، مجرد قطعی، همجنسگرایی، آزارهای جنسی در مدارس و کودک آزاری و روابط نامشروع نشانگر این مساله است که قوانین حاکم بر ایران نتوانسته اند در حوزه مسائل جنسی نظم ایجاد کنند. لذا ناامنی جنسی از تبعات قوانین نامناسب و غیر موثر است. برای برون رفت از این وضعیت و ایجاد نظم در حوزه مسائل جنسی، لازم است مقررات کیفری ایران مورد بازبینی قرار گیرد.

نکته مهم در کیفر دهی به مرتکبان جرایم جنسی توأم با رضایت طرفین این است که از منظر کیفرشناختی امروزه هیچ یک از اهداف کیفرها در مورد این مجرمان محقق نمی‌شود. کیفر مرتکبان زنا یا روابط نامشروع منجر به اجرای عدالت نمی‌گردد چون حتی از کسی ضایع نشده است. موجب ارباب نیز نمی‌شود چون کیفر آنان موجب برچسب زنی و طرد و موجب تجری بیشتر آنان می‌گردد که منجر به تکرار جرم خواهد شد. هدف سزادهی و اصلاح و درمان نیز نمی‌تواند تامین شود چون این مرتکبان معمولاً قبحی برای جرم خود قائل نبوده و ارتکاب این اعمال را حق طبیعی و انسانی خود می‌دانند خصوصاً اینکه در اکثر جوامع دنیا از جرایم جنسی توأم با رضایت جرم زدایی شده است. نظر اسلام هم در این خصوص صرفاً کیفر و سرکوب نیست بلکه تهذیب نفس انسان‌ها از طرقی دیگر غیر از کیفر است. از طرفی، وقتی احکام الهی در جامعه اجرا می‌شود، این احکام وجهه اجتماعی و انسانی پیدا می‌کند و پیامدهای انسانی و اجتماعی خواهد داشت. کیفر چنین مجرمانی منجر به تنفیر از

۱. نوبهار، رحیم (۱۳۹۵) درآمدی بر قانونگذاری «، چالش‌های قانونگذاری در حوزه فرهنگ، مندرج در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

دین و رویگردانی جوانان از دین می‌شود. در نتیجه باید گفت مجازات جرم رابطه نامشروع که موجب برچسب زنی و محرومیت از حقوق انسانی و اجتماعی می‌شود، امروزه ناعادلانه است.

«ویلهلم رایش»<sup>۱</sup> روانشناس اتریشی سرکوب میل جنسی را زمینه پرورش افراد مطیع برای حکومت‌های دیکتاتوری می‌داند. لذا ملتی که با تربیت پدرسالارانه، بازدارنده و سرکوبگرانه امیال جنسی بزرگ می‌شود، توانایی تعقلش آسیب می‌بیند، اضطراب در وجودش چنبر میزند و نیروی تمرّدش فلج می‌شود؛ به نظر رایش مشکلات شخصیتی و روان نژدی ناشی از عدم ارضای جنسی طبیعی است. به علت آنکه علائم روان‌زندی قادر به تخلیه کامل انرژی جنسی نیستند انرژی جمع شده و در وجود فرد به عنوان تنش بدنی ظاهر می‌شود. انرژی جنسی می‌تواند به اضطراب بدل شده یا به شکل سادیسم و ستیزه جویی ظاهر شود. به عنوان مثال، کودکی که متعلق به طبقه کارگر است از والدین خود می‌آموزد که میل جنسیاش را سرکوب کند. از این رو در بزرگسالی سرکش می‌شود و انگیزش جنسی موجب اضطراب وی خواهد شد.<sup>۲</sup> رایش اعتقاد دارد اخلاقی که تمایلات طبیعی زندگی را با فاحشگی یکسان انگارد، به دیکتاتوری مبدل می‌شود. چنین اختلاطی، شادی و عشق طبیعی را مانع می‌شود. عنوان غیراخلاقی دادن به کسانی که به جای قوانین اجباری و غیرطبیعی، بر طبق قوانین درونی و طبیعی خود رفتار می‌کنند، گناهی نابخشودنی است. ریاکاری اخلاقی خطرناک‌ترین دشمن اخلاق ذاتی و طبیعی است و با وضع قوانین اخلاقی اجباری و خشک نمی‌توان به جنگ ریاکاری اخلاقی رفت. لذا لازمه رفتار نیک آن است که فرآیند زندگی و جنسی به طور طبیعی و آزاد رشد کنند.<sup>۳</sup>

ابراهام مازلو روانشناس آمریکایی سلسله مراتب نیازهای انسان را دسته بندی کرده است که عبارتند از: ۱- نیازهای جسمانی یا فیزیولوژیک مانند خوراک و پوشاک و خواب و مسکن و نیاز جنسی. ۲- نیازهای ایمنی مانند امنیت جانی و مالی. ۳- نیاز به عشق و محبت مانند خانواده. ۴- نیاز به احترام و ۵- نیاز به خودشکوفایی. همانطور که ملاحظه می‌شود، نیازهای

1. Wilhelm Reich

2. [https://en.wikipedia.org/wiki/The\\_Mass\\_Psychology\\_of\\_Fascism](https://en.wikipedia.org/wiki/The_Mass_Psychology_of_Fascism), accessed August 2018

۳. رایش، ویلهلم (۱۳۸۲) کشف انرژی ارگن، روانشناسی در عمق: کارکرد ارگاسم، ترجمه استپان سیمونیان، چاپ اول. انتشارت رشد، ۱۹.

جنسی در پایین‌ترین سطح قرار دارد و از نیازهای ابتدایی انسان است. هریک از نیازهای طبقه پایین باید رفع شوند تا انسان به نیاز بالاتر بتواند برسد. از نظر مازلو ارضای خوب نیازها موجب پیدایش نیازهای بالاتر می‌شود. لذا عدم رفع نیاز جنسی می‌تواند موجب مشکل در دستیابی به مراتب بالای نیازها و در نتیجه مانع خودشکوفایی انسان باشد. بیشتر جرایم و جنایات در جوامع بشری سرهمین نیازهای دسته اول و ناشی از عدم رفع یا محدودیت در آنهاست. زیرا با بقا انسان رابطه مستقیمی دارند. تا زمانی که ذهن فرد درگیر رفع نیاز جنسی است، نمی‌تواند به نیازهای بالاتر دست یابد. اگر جامعه و دولت به نیازهای انسانی توجه نکنند، انسانیتی هم حاکم نخواهد بود.

از لحاظ برخورد قانونی با روابط جنسی نامشروع، عده‌ای پیشنهاد داده‌اند با توجه به واقعیات روز جامعه ایران و جهانی شدن فناوری و فرهنگ شاید بهتر باشد در لایحه تعزیرات که در حال نگارش است بحث مداخله حاکمیت در تعیین حدود و ثغور رفتارهای غیراخلاقی و مغایر عفت جنسی و عمومی به نحوی سامان یابد که شفافیت در جرم‌انگاری و تنویر رکن مادی جرم مذکور به نحوی تقنین شود که موجب خروج موارد قطعاً غیر مصداق رفتار مغایر عفت و مستحق کیفردهی بشود؛ تا نه تورم کیفری و نه ارفاق غیربایسته، هیچ‌یک صورت نپذیرد و در برخی موارد هم جرم‌زدایی لازم است.<sup>۱</sup> برخی هم گفته‌اند که در نظام کیفری ایران انطباق قوانین کیفری با موازین شرعی مسلم و انکارناپذیر است و بدین ترتیب جرم‌زدایی در قلمروهایی چون حدود به دلیل مبنای تغییرناپذیر آنها قابل تصور نیست. ولی در محدوده تعزیرات به ماده ۶۳۸ ق.م.ا اشاره کرده‌اند که قابل اصلاح است چون قانونگذار دامنه جرم‌انگاری این ماده را تا مرز بی‌نهایت گسترش داده است.<sup>۲</sup>

با توجه به اینکه این تحقیق از بعد حقوقی و جرم‌شناختی در صدد ارائه راهکار است، به گمان نگارنده با عنایت به مطالبی که در این تحقیق مورد بحث قرار گرفت، می‌توان روابط جنسی توأم با رضایت طرفین بین زن و مرد مجرد را مشروعیت بخشید و از آنها جرم‌زدایی کرد. زیرا:

۱. جوانمرد، ۱۳۹۵، ۳۱.

۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱، ۱۰۵.

اولاً، با توجه به وضعیت نابسامان اقتصادی در شرایط فعلی امکان ازدواج برای بسیاری از افراد در سن ازدواج محال یا بسیار دشوار شده است. تنها راه مشروع رفع تمایلات و نیازهای جنسی هم ازدواج است. در این شرایط آنومیک که بین هدف و راه رسیدن به هدف تعارض و تناقض وجود دارد و راه مشروع بسته است و راه نامشروع هم موجب کیفر و طرد است، باید راه سومی وجود داشته باشد. اگر بتوان قدری در روابط بین مرد و زن مجرد آزادی ایجاد کرد، موجب پیشگیری از مشکلات می شود و جرایمی چون تجاوز جنسی ممکن است کاهش یابد. در این صورت دفع فاسد به افسد هم رخ نمی دهد چون کیفر مرتکبان جرم نامشروع موجب مفسده‌های فراوانی مانند برچسب زنی گردیده است. تا امنیت اقتصادی حاکم نباشد، امنیت اخلاقی هم در جامعه وجود نخواهد داشت و از راهکارهای پیشگیری از جرایم جنسی، ایجاد امنیت اقتصادی است.

ثانیاً، با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه با ایجاد دهکده جهانی و رسانه‌های گسترده، قیخ ذاتی جرایم جنسی توأم با رضایت قدری از بین رفته است و جوانان حق طبیعی و انسانی خود می دانند که بتوانند با جنس مخالف ارتباط داشته باشند. این مساله تبدیل به فرهنگ و سبک زندگی و به تعبیر جرم‌شناسان فرهنگی «جرم به مثابه فرهنگ» شده است. زمانی که قانون با انتظارات و فرهنگ مردم جامعه سازگاری نداشته باشد، تبدیل به قانون متروک و مطرود می گردد و نمی توان از طریق مداخله کیفری برای برقراری اخلاقیات در جامعه، روابط جنسی افراد را سرکوب کرد. زمانی که تنها راه فرهنگی برای ارضای نیازهای جنسی یعنی ازدواج دائم مسدود باشد، فرهنگ‌های دیگری شکل خواهند گرفت که قسمتی از این فرهنگ‌ها، انحرافات قبیح جنسی است. لذا قانون کیفری نباید به عنوان اولین راه حل اقدام به سرکوب بنماید. پدیده تجرد قطعی ممکن است موجب افزایش فحشا و سقط جنین و نابهنجاری‌های دیگر شود؛ حال به نظر می رسد آزادی روابط برای دختران و پسران جوان مجرد می تواند از تجرد قطعی جلوگیری نماید و تا حدودی روابط قاعده مند شود که این قطعاً از فحشا بهتر خواهد بود. لذا برای برون رفت از وضعیت آنومیک جنسی حاکم بر ایران، به نظر می رسد می توان روابط جنسی خارج از ازدواج دائم را که مبتنی بر رضایت باشد با شرایطی مشروعیت بخشید و جرم زدایی گردد.

ممکن است گفته شود قرار بر این نیست که هرگاه هر جرمی تبدیل به فرهنگ شود، باید

از آن جرم زدایی گردد. مثلاً جرایمی خطرناکی چون تخریب محیط زیست و یا سرقت و قتل هم می‌توانند تبدیل به سبک زندگی و فرهنگ شوند اما هیچ‌گاه بحث جرم زدایی از آنها مطرح نمی‌شود. در پاسخ باید گفت که چنین جرایمی آسیب‌های فراوانی بر دیگران وارد می‌کنند و معیارهای قابل قبولی برای جرم‌انگاری آنها موجود است و مهمتر اینکه ناشی از فطرت و غریزه انسان هم نیستند و دارای قبح ذاتی هستند. اما روابط جنسی همراه با رضایت طرفین ناشی از طبیعت و غریزه انسان است که به سختی قابل دفع است. به عبارتی انسان در زندگی روزمره خود با این مساله سروکار دارد و چیزی نیست که بتوان از آن گریخت. اما جرایم دیگر اینطور نیستند.

بدین ترتیب برخلاف میل جنسی، میل به دزدی و ضرب و جرح یا قتل از اقتضائات زندگی روزمره نیستند مگر در موارد نادری که فرد دچار مشکلات روانی باشد. مقاومت در برابر میل به ارتکاب این جرایم غالباً بر تکامل یا تعادل زندگی عاطفی فرد و شخصیت او تاثیر نمی‌گذارد؛ حال آنکه سرکوب امیال جنسی عموماً در این موضوع تاثیرگذار است. لذا قوانین مربوط به اخلاق جنسی ممکن است مشکلات اجتماعی جدی ایجاد کنند زیرا هم مشکلات ناشی از سرکوب امیال جنسی و هم پیامدهای این سرکوب، از مشکلات و پیامدهای امتناع از یک جرم معمولی، کاملاً متفاوت اند.<sup>۱</sup>

ثالثاً از منظر فقهی و آموزه‌های اسلامی می‌توان گفت که برخی فقها موافق تعطیل اقامه حدود در زمان غیبت هستند و به جای اقامه حدود، اجرای تعزیرات را جایگزین می‌کنند. هرچند این نظر در سیاست کیفری ما مورد پذیرش قرار نگرفته است اما قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده اند که تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است و هیچ فردی نباید مورد پرسش قرار گیرد مگر در موارد استثنا. این امر مطابق قاعده درا و منع تجسس و بزه پوشی جرایم جنسی در اسلام است که اثبات آنها را بسیار دشوار می‌کند. با این حال در جرم رابطه نامشروع و منافی عفت رویه قضایی واحدی وجود ندارد که منجر به تضييع آزادی‌های افراد گردیده است. دلایل روایی برای این جرم وجود دارد اما از موارد گناهان کبیره نیست تا موجب تعزیر باشد. متون روایی در این خصوص را با توجه به بسترهای انسانی، فرهنگی و اجتماعی هر عصر تفسیر نمود. در تعزیرات هم احکام

۱. هارت، هربرت (۱۳۸۸) الزام قانونی اخلاق، ترجمه محمد راسخ، آیین، شماره ۲۴ و ۲۵، ۳۶-۳۷.

تعبدی وجود ندارد.

طبق قاعده حرمت تنفیر اگر عمل به برخی احکام اسلام موجب رویگردانی و نفرت مردم از دین شود، شرع مایل به اجرای آن نیست. از طرفی کیفر دهی به این جرم موجب تحقق اهداف مجازات‌ها نشده است. اسلام در خصوص نیازهای جنسی - برخلاف مسیحیت - چندان سخت گیر نیست و به ازدواج (موقت یا دائم) تشویق می‌کند و مخالف مجرد طولانی است. اما زمانی که راه مشروع مسدود است مجازات کردن کسانی که راه نامشروع را انتخاب کرده اند، به مصلحت نیست. تعزیر هم تابع مصلحت است و مصلحت امروزه این نیست که روابط آزاد جنسی توأم با رضایت مجازات شود چون دفع فاسد به افسد رخ خواهد داد.

لکن این پیشنهاد به معنی آزادی کامل جنسی یا لودگی جنسی نیست. به عبارتی، از جواز رابطه آزاد زن و مرد مجرد، جواز جرایم جنسی دیگر استنباط نمی‌شود. بدیهی است جرایم جنسی توأم با عنف و اکراه، رابطه جنسی با نابالغان، رابطه جنسی با محارم و حیوانات و مردگان، زنا در ملاعام و روابط جنسی بین زن و مرد متاهل همچنان باید در محدوده مداخله حقوق کیفری باشند. چون دلایل کم و بیش قانع کننده‌ای برای جرم انگاری آنها وجود دارد. اما روابط بین زن و مرد مجرد با عنایت به استدلالات مذکور، مخل امنیت جامعه نیست و می‌توان از آن جرم زدایی نمود تا وضعیت آنومیک و غیرعادی جامعه ایران در حوزه روابط جنسی تعدیل شود و عقده‌های جوانان کاهش یابد. لذا اکنون چنین روابطی نه تنها ضرری ندارد بلکه می‌تواند فایده‌هایی هم داشته باشد. امید است قانونگذار این مساله را در هنگام بازبینی بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مورد عنایت قرار دهد.

### نتیجه

قانونگذار ایران برای حمایت از امنیت اخلاقی اقدام به جرم انگاری‌های گسترده در حوزه جرایم جنسی کرده است. اما نتیجه این سرکوب کیفری، افزایش روزافزون جرایم و روابط جنسی بوده است. دستگاه قانون گذاری ایران، به هنگام جرم انگاری رفتارهایی که در فقه امامیه گناه محسوب شده و برای آن‌ها کیفر معین در نظر گرفته شده، هیچ توجهی به مبانی جرم انگاری این رفتارها ندارد و در نتیجه برای یافتن این مبانی، باید به متون دینی و روایت‌های معصومین مراجعه کرد که در عصر حاضر چنین مساله‌ای دشوار است. از طرفی

اجرای برخی کیفرهای اسلامی در عصر حاضر موجب تنفیر از دین می‌شود که شرع مقدس راضی به آن نیست. لذا مقنن ایران در جرم‌انگاری روابط جنسی به بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه امروز ایران در خصوص روابط جنسی توجهی نکرده و عنصر مصلحت را در جرم‌انگاری روابط جنسی موجب تعزیر رعایت. ننموده است.

این مساله با توجه به مساله فرهنگ قابل بررسی می‌باشد. جرم‌شناسی فرهنگی رفتارهای مجرمانه را در قالب «جرم به مثابه فرهنگ» و «فرهنگ به مثابه جرم» بررسی می‌کند که در حوزه جرایم جنسی می‌توان گفت با توجه به شرایط نامساعد اقتصادی و اجتماعی امروز ایران و افزایش فاصله بلوغ جنسی و بلوغ اقتصادی، روابط جنسی خارج از ازدواج و انحرافات جنسی و آسیب‌هایی چون تجرد قطعی در حال افزایش است که تبدیل به فرهنگ یا خرده فرهنگ و نوعی سبک زندگی شده است. از طرفی مداخله کیفری برای سرکوب و نفی این فرهنگ‌ها به بحران جنسی جامعه دامن می‌زند. تنها راه رفع نیاز جنسی در ایران، ازدواج (به خصوص دائم) است که این راه برای بسیاری از جوانان مسدود است و لذا وضعیت آنومیک جنسی پدید آمده است. گفتمان فرهنگی غالب بر ازدواج دائم و تشکیل خانواده تاکید می‌کند و راه‌های فرهنگی دیگر از طریق جرم‌انگاری روابط آزاد جنسی سرکوب می‌شوند. در نتیجه چنین فرهنگ غالبی که انتظارات واقعی جوانان و شرایط روز را در نظر نمی‌گیرد مطرود می‌شود و طبیعتاً قانون کیفری که در حوزه‌های فرهنگی جامعه مداخله می‌کند و هر راه دیگری برای ارضا تمایلات جنسی-غیر از ازدواج رسمی-را مجازات می‌کند، تبدیل به قانون متروک و مطرود می‌گردد. هدف اصلی ازدواج رفع نیازهای جنسی نیست تا تنها راه رفع این نیازها ازدواج باشد. برای خروج از آنومی جنسی در شرایط فعلی می‌توان روابط جنسی خارج از ازدواج دائم مرد و زن را که مبتنی بر رضایت باشد با شرایطی مشروعیت بخشید و جرم زدایی کرد. کیفر این عمل امروزه در جامعه موجب مشکلات و عسر و حرج برای جوانان شده است و هیچ یک از اهداف مجازات‌ها در کیفردهی به به این عمل محقق نشده است. لذا مجازات جرم رابطه نامشروع امروزه ناعادلانه است. همچنین رابطه نامشروع از گناهان کبیره در اسلام نیست و روایات موجود در این خصوص را نمی‌توان به همه موارد به طور مطلق تسری داد و باید این روایات را در بسترهای فرهنگی جامعه تفسیر نمود. نهایتاً باید اذعان نمود که روابط آزاد بین زن و مرد مجرد مخل امنیت اخلاقی جامعه نخواهد بود چون

این روابط قصد برهم زدن امنیت جامعه را ندارند بلکه در پی ارضای نیازهای انسانی و طبیعی هستند.

## منابع

۱. آزادارمکی، تقی و دیگران (۱۳۹۰)، *سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران*، جامع پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.
۲. آزادارمکی، تقی و شریفی ساعی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در اسلام*، تهران، چاپ اول.
۳. آفتاب نیوز، پایگاه خبری (۱۳۹۶)، *آمار تکانه‌دهنده مجلس از روابط جنسی در ایران*، کد خبر: ۴۵۶۸۱۹.
۴. آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، *قلمرو امنیت در حقوق کیفری*، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه ایران، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هفتم، شماره ۲۸.
۵. ایسنا، سایت خبری (۱۳۹۷)، *چرا جامعه دچار بحران جنسی شده است؟*، کد خبر: ۹۷۰۲۱۷۰۹۲۵۱.
۶. تیان، موسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی (۱۳۹۶) *گرسنگان جنسی*.
۷. جعفری، مجتبی (۱۳۹۲) *جامعه‌شناسی حقوق کیفری*، رویکرد انتقادی به حقوق کیفری، چاپ اول، نشر میزان.
۸. جماران، پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری (۱۳۹۳)، *گزارش تکان‌دهنده از روابط جنسی نامشروع در ایران*، کد خبر: ۵۲۱۶۰.
۹. جوانمرد، بهروز (۱۳۹۵)، *رویه‌های قضایی و نظریه‌های مشورتی پیرامون جرم رابطه نامشروع*، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، سال اول، شماره ۱، ص ۲۷ - ۳۳.
۱۰. حمزه زینالی، امیر (۱۳۸۸)، *مبانی مداخله حقوق کیفری ایران در حوزه فرهنگ و چالش‌های فراروی آن*، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)، زیر نظر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، نشر میزان.
۱۱. خدابخشی، علی (۱۳۹۰)، *حمایت حقوق کیفری از اخلاق و ارتباط آن با آزادی و حریم خصوصی اشخاص در حقوق ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان.
۱۲. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱)، *تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران*، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۱.

۱۳. رایش، ویلهلم (۱۳۸۲) کشف انرژی ارگن، روانشناسی در عمق: کارکرد ارگاسم، ترجمه استپان سیمونیان، چاپ اول انتشارت رشد.
۱۴. زراعت، عباس (۱۳۹۳)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ اول. نشر میزان.
۱۵. فرجیها، محمد و الله وردی، فرهاد (۱۳۹۳)، رویکرد جرم شناسی فرهنگی به تغییر الگوی مصرف مواد مخدر در میان جوانان، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۷.
۱۶. قدسی، سیدابراهیم و پورزرین، علی (۱۳۸۳)، نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، مطالعات اسلامی، شماره ۶۷.
۱۷. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۸)، بستر معنوی و عقلایی علم فقه، نشریه کیان، شماره ۴۶.
۱۸. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۲)، قواعد فقه بخش جزایی، چاپ بیست و هشتم. مرکز نشر علوم انسانی.
۱۹. محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۸)، سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۴.
۲۰. محمودی جانکی، فیروز؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۲)، توجیه مداخله کیفری؛ اصول و ضرورت‌ها، پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره سوم
۲۱. مهریزی، مهدی و دانش پژوه، وهاب (۱۳۹۵) قرآن و جرم‌انگاری حداقلی، نشریه علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال هفتم، شماره دوازدهم.
۲۲. نوبهار، رحیم (۱۳۸۴)، بررسی قاعده فقهی حرمت تنفیر از دین، مجله تحقیقات حقوقی (یادنامه دکتر شهیدی)
۲۳. نوبهار، رحیم (۱۳۹۰) اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱.
۲۴. نوبهار، رحیم (۱۳۹۴)، اخلاق‌گرایی و حریم خصوصی، درسنامه حقوق بشر، سایت رسمی رحیم نوبهار
۲۵. نوبهار، رحیم (۱۳۹۵) درآمدی بر قانونگذاری، چالش‌های قانونگذاری در حوزه فرهنگ، مندرج در مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی، انتشارات خرسندی، چاپ اول.

۲۶. هارت، هربرت (۱۳۸۸) *الزام قانونی اخلاق*، ترجمه محمد راسخ، آیین، شماره ۲۴ و ۲۵.
۲۷. هشترودی، می گل (۱۳۹۷) *آیا انقلاب جنسی در راه است؟! / آثریر قرمز بحران جنسی به صدا در آمده است*، تندرست نیوز، کد خبر: ۵۶۹۵
۲۸. ورورایی، اکبر؛ سعادت، رضا و هاشمی، حمید (۱۳۹۳)، *تاثیر اخلاق در جرم انگاری و جرم زدایی در نظام حقوق کیفری اسلامی ایران*، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره هشتم.

29. Barker, Meg; Iantaffi, A.; Gupta, C. (2007). "Kinky clients, kinky counselling? The challenges and potentials of BDSM" (PDF). Open Research Online. Routledge. Retrieved 12 January 2011.

30. <https://edition.cnn.com/2015/02/26/asia/south-korea-adultery/index.html>

31. [https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite\\_note-182](https://en.wikipedia.org/wiki/Adultery#cite_note-182), accessed September 2018

32. <https://www.independent.co.uk/news/world/europe/swedish-court-rules-that-it-is-okay-to-masturbate-in-public-8826589.html>, 2013. Accessed August 2018